

# پشت پردهٔ دنیای موسیقی کلاسیک

رابرت کوتیتا

ترجمه: فرشاد مشفق



# پشت پردهٔ دنیای موسیقی کلاسیک

پاسخ به سوالاتی دربارهٔ موسیقی کلاسیک  
که شاید برای شما هم جذاب باشد.

رابرت کویتا  
ترجمه: فرشاد مشفق

---

  
ناشر تخصصی موسیقی

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۶
فصل اول: ارکستر و کارکرد آن.....	۱۲
فصل دوم: رهبر ارکستر و مدیر هنری.....	۴۶
فصل سوم: آپرا و خواننده‌های آپرا.....	۸۶
فصل چهارم: آهنگساز.....	۱۲۴
فصل پنجم: نوازنده‌ها.....	۱۵۸
فصل ششم: سازهای ارکستر.....	۱۸۶
فصل هفتم: موسیقی.....	۲۴۲
فصل هشتم: سؤالات متفرقه.....	۳۱۸

## پیشگفتار

در سال ۲۰۰۶ «گیل ایچنتال»<sup>۱</sup> که آن موقع کارگردان ایستگاه رادیویی «کی یو اس سی»<sup>۲</sup> بود، از من خواست یک برنامه رادیویی هفتگی با عنوان «از رهبر ارکستر پرس»<sup>۳</sup> راه بیندازم. شکل برنامه خیلی ساده بود؛ شنوندگان برنامه سؤال‌های خودشان را با ایمیل می‌فرستادند و من به آن‌ها جواب می‌دادم. این ایده برای من خیلی جذاب بود اما مسئله اینجا بود که نه من و نه هیچ‌کس دیگری نمی‌توانست ادعا کند که همه چیز را درباره موسیقی کلاسیک می‌داند. این که من مدیر یکی از مهم‌ترین مدرسه‌های موسیقی کشور بوم (مدرسه موسیقی تورنتون در دانشگاه جنوب کالیفرنیا)<sup>۴</sup> به من این اطمینان را می‌داد که اگرچه شاید جواب همه سؤال‌های شنوندگان را ندانم اما بیش از ۲۰۰ استاد مدرسه موسیقی تورنتون دوستان بسیار توانمند من بودند که می‌توانستم از آن‌ها کمک بگیرم. پس در پاییز ۲۰۰۶ برنامه را راه انداختیم و گیل همراه با من برنامه را اجرا می‌کرد. در این برنامه فرض ما این بود که شاید رهبر ارکستر پاسخ همه سؤال‌ها را نداند، اما دوستانی دارد که می‌تواند از آن‌ها کمک بگیرد.

این برنامه خیلی زود به محبوبیت رسید، این محبوبیت به اندازه‌ای بود که تا ۱۰ سال به‌عنوان برنامه هفتگی رادیویی لس‌آنجلس پخش می‌شد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان گفت که در طول این سال‌ها بیش از صدها سؤال و جواب ارائه شده است. نکته جالب این برنامه کیفیت و خاص بودن سؤال‌هایی بود که شنونده‌ها طرح می‌کردند. وقتی به هرکدام از اساتید مدرسه مراجعه می‌کردم تا جواب سؤال‌های شنوندگان را

<sup>1</sup> Gail Eichenthal

<sup>2</sup> KUSC

<sup>3</sup> Ask the Dean

<sup>4</sup> the University of Southern California's Thornton School of Music

پیرسم، همگی عباراتی مثل «خیلی جالب است؛ تابه‌حال به این موضوع فکر نکرده بودم» یا «تابه‌حال این طور به موضوع نگاه نکرده بودم» به من می‌گفتند. در نتیجه، آنچه در طول این ۱۰ سال رخ داد، سؤال‌های فراوان دربارهٔ موسیقی و پاسخ‌های ساده به آن‌ها بود.

این کتاب از سؤال‌هایی تشکیل شده است که در طول این ۱۰ سال برای من و گیل جالب بودند. من این سؤال‌ها را در دسته‌بندی‌های زیر قرار دادم:

۱- ارکستر و چگونگی عملکرد آن

۲- رهبر ارکستر

۳- آپرا و خواننده‌های آپرا

۴- آهنگساز

۵- نوازنده‌ها

۶- سازهای ارکستر

۷- موسیقی

۸- سؤالات متفرقه

من از آوردن نام کسانی که سؤال‌ها را پرسیده بودند امتناع کردم، زیرا بسیاری از افراد در زمان پخش برنامه علاقه‌ای به ذکر نامشان نداشتند، به همین دلیل نام آن‌ها را در متن کتاب هم نیاوردم. به نظرم حتی برخی از شنوندگان از این می‌ترسیدند که دیگر افراد فکر کنند ایشان «سؤال احمقانه‌ای» پرسیده باشند. اما جالب اینجا بود که تقریباً



تمام سؤالاتی که برای ما ارسال می‌شد، ما را به پاسخی جذاب و تفکربرانگیز هدایت می‌کرد. در حقیقت می‌خواهم از تک‌تک شنونده‌هایی که سؤال طرح کردند تشکر کنم. اگر این شنونده‌ها نبودند، این کتاب نمی‌توانست وجود داشته باشد؛ البته باید از مجموعه اساتید مدرسه موسیقی یو اس سی هم تشکر کنم. این اساتید حتماً باید در طول این چند سال، از مراجعه همیشه‌گی و سؤالات تمام‌نشدنی من خسته شده باشند. اشتیاق این اساتید به موسیقی همیشه راه‌گشا بود، پاسخ‌های صحیح، مشتاقانه و جامع آن‌ها این برنامه را به یک لذت همیشه‌گی تبدیل کرده بود. نمی‌توانم بگویم که در طول این برنامه رادیویی چقدر از این اساتید آموختم.

درباره پرسش و پاسخ‌هایی که از اساتید داشتم باید به یک نکته اشاره کنم. پاسخ سؤال‌های من را افرادی می‌دادند که در حوزه کاری خود متخصص بودند و این پاسخ‌ها را به‌صورت صحبت‌های روزمره و بدون تحقیق ارائه می‌کردند. به همین جهت، تازگی خاصی در تمام پاسخ‌ها وجود دارد؛ با اینکه این پاسخ‌ها دقیق هستند اما مثل کتاب‌های مرجع پر از جزئیات نیستند. من فقط تلاش کردم که پاسخ‌ها را به زبان محاوره تبدیل کنم. در حقیقت می‌توانم گفت پاسخ‌هایی که این اساتید به سؤال‌ها می‌دادند، نشان‌دهنده طرز فکر و احساس آن‌ها به تک‌تک سؤال‌ها بوده و نمی‌توان آن را به‌عنوان یک تحقیق عمیق در نظر گرفت.

برای پاسخ دادن به بسیاری از سؤال‌ها، دانش پایه‌ای موسیقی کلاسیک کفایت می‌کرد. به نظر من اگر شما به یادگیری مطالب حاضر و آماده این کتاب علاقه‌مند شدید، به این معنی است که حتماً تاندازه‌ای نسبت به موسیقی کلاسیک آگاه هستید.

من خیلی تلاش کردم که برای کتاب، عنوانی به‌غیر از عنوان برنامه رادیویی استفاده کنم و دقیقاً لحظاتی قبل از اینکه کتاب را برای چاپ تحویل بدهم این عنوان به ذهن من

رسید. من قبل از یکی از اجراهای ارکستر سمفونیک مدرسه موسیقی یو اس سی در حال سخنرانی بودم و مطالبی که در صحبت‌هایم به آن‌ها اشاره می‌کردم شباهت زیادی به سؤال‌های مطرح‌شده در برنامهٔ رادیویی بود. در ردیف جلویک زن و شوهر نشسته بودند که بعد از هر سؤالی که من مطرح می‌کردم، مرد سرش را به سمت همسر خود می‌چرخاند و با حیرت سرش را تکان می‌داد و می‌گفت «من که نمی‌دونستم؟!»، بعد از اینکه این مرد سه بار این کار را تکرار کرد، این به ذهن من خطور کرد که همین عنوان برای کتاب عالی است.

در انتها لازم می‌دانم از تمامی کارکنان ایستگاه رادیویی کی یو اس سی تشکر کنم که در کنار آن‌ها برنامهٔ رادیویی را تولید کردیم و در طول تمام آن سال‌ها اشکالات و اشتباهات من را تحمل می‌کردند. همچنین از طرف کادر اساتید مدرسهٔ موسیقی یو اس سی و همهٔ شنوندگان برنامهٔ رادیویی امیدوارم از خواندن این کتاب لذت برده و از تمام ابعاد بی‌پایان سنت موسیقایی کلاسیک غربی درس بگیرید.

## ارکستر و کارکرد آن

ارکستر سمفونیک فقط تعدادی نوازنده در کنار هم نیست. ارکستر سمفونیک هم‌زمان به معنی یک فرهنگ اجتماعی، نظام سیاسی، جایگاه متخصصین، یک محیط خودساخته و شغل است. ارکستر سمفونیک نه تنها بزرگ‌ترین گروه سازی موسیقی کلاسیک به شمار می‌رود، بلکه منسجم‌ترین ساختار را در مجموعه سنت موسیقایی غرب نیز داراست.

بسیاری از سنت‌های ارکستر سمفونیک به دهه‌ها و حتی قرن‌ها قبل باز می‌گردد. به راحتی نمی‌توان این سنت‌ها را تغییر داد و حتماً دلیلی برای بقای بسیاری از این سنت‌ها وجود دارد. اغلب این دلایل متوجه خود موسیقی و آنسامبل اجراکننده آن هستند؛ اما برخی از این دلایل به منظور ارج نهادن به سنت‌های موسیقایی همچنان وجود دارند.



این مجموعه در هم پیچیده سنت‌ها می‌تواند برای افراد ناآشنا، تحریک‌کننده و مرعوب‌کننده باشد. امیدوارم با پاسخ‌هایی که برای سؤال‌های زیر ارائه کرده‌ام، حس مرعوب‌کنندگی سنت‌های موسیقی کلاسیک را از ذهن شما پاک کنم.

### ■ چرا همیشه ارکستر را با ابوا (آب آ) کوک می‌کنند؟

همیشه در کنسرت‌ها می‌بینیم که ابتدا رهبر به روی صحنه می‌آید و سپس از نوازنده ابوا می‌خواهد که یک نت بنوازد تا ارکستر با آن نت خودش را کوک کند (نوازنده ابوا در دو قسمت این کار را می‌کند، ابتدا یک نت «لا» می‌نوازد تا بادی چوبی‌ها و بادی برنجی‌ها کوک کنند، سپس یک نت «لا» دیگر می‌نوازد تا سازهای زهی خودشان را کوک کنند)؛ اما خیلی از ما تا به حال به این فکر نکرده‌ایم که «چرا ارکستر با ساز ابوا کوک می‌شود؟»

اولین و بهترین چیزی که به ذهن ما می‌رسد شاید این باشد که همه نوازنده‌های ارکستر می‌توانند صدای خالص و نافذ ابوا را به خوبی بشنوند. این حرف باور عموم مردم بوده و از لحاظ منطقی نمی‌تواند دلیل این باشد که چنین نقش مهمی را به این ساز محول کنند. برای یافتن پاسخ به این سؤال باید به سال‌ها قبل برگردیم، زمانی که هیچ وسیله‌ای برای هماهنگ کردن کوک دقیق در ارکستر وجود نداشت. در هر شهری نت‌های «لا» و «دودی‌یز» را به شیوه خودش کوک می‌کردند، دقیقاً مثل مشخص کردن زمان دقیق ظهر که مردم هر وقتی آفتاب بالای سرشان قرار می‌گرفت، می‌گفتند ظهر است. از آنجایی که در آن زمان اغلب مردم خیلی کم سفر می‌کردند و همچنین مسافرت بسیار زمان‌بر بود، به همین جهت مواردی از این دست کاملاً بر اساس سلیقه مردم هر

شهر مشخص می‌شد. معمولاً کوک ثابت هر شهر را آرگِ کلیسای آن شهر مشخص می‌کرد؛ اما فرض کنید اگر یک نوازندهٔ ویولن به کلیسا می‌رفت و ساز خودش را با آرگِ آن کلیسا کوک می‌کرد بعد از بازگشت از کلیسا و به خاطر تغییرات دما، فشار هوا و یا هر اتفاق دیگری، کوک این ساز تغییر می‌کرد. همهٔ سازهای ارکستر، به‌غیر از اُبو با این مشکل روبرو بودند. نحوهٔ تولید یک فرکانس مشخص در اُبو با سازهای دیگر متفاوت است. فرکانس اُبو متناسب با شکل و بافت قمیص آن مشخص می‌شود. نوازنده‌های اُبو ساعت‌های زیادی را صرف ساختن قمیص ساز خود می‌کنند تا صدایی که ساز آن‌ها تولید می‌کند به اندازه‌ای دقیق باشد که رهبرهای ارکستر از این صدا برای کوک کردن ارکستر استفاده کنند (موضوع منبع کوک بعداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت). زمانی که قمیص شکل صحیح داشته باشد، نه دما و نه هیچ چیز دیگری نمی‌تواند کوک ساز را تغییر بدهد؛ بنابراین نوازندهٔ اُبو کوک نت «لا» دقیق را قبل از تمام نوازنده‌ها مشخص کرده، سپس روی صفحه اجرا و بقیهٔ نوازنده‌های ارکستر کوک خود را از او می‌گیرند. البته این را در نظر داشته باشید که تمام سازهای بادی با تغییر محل و فشار عضله‌های لب می‌توانند کوک هر نت را تغییر بدهند.

حالا سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که چرا در این روزگار که سازهای دیگر می‌توانند کوک ثابت و دقیق داشته باشند و حتی با استفاده از «کوک کننده‌های الکترونیکی»<sup>۱</sup> گران‌قیمت ساز خود را کوک می‌کنند، باز هم از ساز اُبو برای کوک کردن ارکستر استفاده می‌شود؟ ابتدایی‌ترین جوابی که به این سؤال می‌توان داد این است که به خاطر رعایت سنت‌های ارکستر این کار را می‌کنند. در حقیقت می‌توان گفت که

<sup>1</sup> Tuner

## ارکستر و کارکرد آن / ۱۵

نزدیک‌ترین پاسخ به حقیقت همین است؛ زیرا از سال ۱۷۱۱ و بعد از اختراع دیاپازن، برای نگاه‌داشتن کوک سازهای ارکستر دیگر نیازی به ساز اُبو نبود. دیاپازن وسیله‌ای آهنی است که بعد از ضربه زدن به آن، (معمولاً با فرکانس ۴۴۰) با نتی که مشخص شده و یانت «لا» نوسان می‌کند.

از آن زمان به بعد نوازنده‌های اُبو از دیاپازن و بعدها از کوک‌کننده‌های الکترونیک برای کوک کردن ساز خود استفاده می‌کنند. امروزه دیگر می‌توان از هر ساز دیگری برای انجام این کار بهره گرفت.

■ همین اواخر به کنسرتی رفتیم، آنجا دیدیم که یک نفر پرسید، «کوک این ارکستر چیست؟» و در ادامه این سؤال، این دو نفر دربارهٔ مزایا و معایب کوک‌های مختلف به گرمی صحبت کردند. این دو نفر دربارهٔ چه چیزی باهم صحبت می‌کردند؟

شاید باور نکنید، اما فرکانس نت «لا» همچنان یکی از مباحث داغ در حیطهٔ موسیقی کلاسیک است. با وجود اینکه همگی بر این باورند که نت «لا» فرکانسی است که «نهایتاً» ۴۴۰ بار در ثانیه (A 440) نوسان می‌کند، این عبارت «نهایتاً» که در این تعریف از آن استفاده شد، به این معنی است که می‌توان تفسیرهای فراوانی از این میزان نوسان داشت.

این به عهدهٔ رهبر ارکستر است که کوک دقیق نت «لا» را برای ارکستر مشخص کند تا همهٔ نوازنده‌ها ساز خود را بر اساس آن کوک کنند. برخی ارکسترها ترجیح می‌دهند نت